

■ **علی‌خدايي بيجاری**

اين روزها به واسطه تقليد هواداران ورزش، به ويژه هواداران فوتبسال از چريان‌ها و پدیده‌های مذمومی که در ورزش و نوعاًفوتبال غرب جاري و ساری است، بيت‌المثل «ز نير و بود مرد را راستی / ز سستی گزی زايد و کاستی» که به گونه‌ای می‌توان اين بيست را مانيفست اخلاقی ورزش ايران زمين به حساب آورد، ماهیتهی ديگر گون و معکوس یافته و به قول صاحب نظران و جامعه‌شناسان مسابقات از فرم یک بازی دوستانه به فرم یک لشکر کشی خشن استحال یافته واین آن چیزی نيست که زبينده فرهنگ و ورزش اين سرزمين باشد. در اين زمينه با دکتُر «افشين طباطبائي» جامعه‌شناس و پژوهشگر مسائل اجتماعی در اين زمينه گفت‌وگو کرده‌ايم.

■ ■ ■

آقای دکترا در سال‌های ۹۱ و ۹۲، پس از دو بازی ایران – کره، برخی از تماشاگران گره‌ای اقدام به جمع آوری زباله‌هایی کردند که از سوی بسیاری از تماشاگران ایرانی در محیط ورزشگاه هاسازی شده بود. رفتار تماشاگران در «شهر آورد» اخير نیز بهانه نقد تماشاگران ایرانی و محکوم کردن آنان به پر خاشگری شد. نظر شما در این رابطه چیست؟

این مسئله را می‌توان در چند بعد بررسی کرد، اما یکی از این ابعاد پدیده پر خاشگری ورزشی است که رهاسازی و پرتاب زباله نیز زیر مجموعه این پدیده محسوب می‌شود. این پدیده در جهان امر شناخته شده و مرسومي است و ظهور و بروز آن نه تنها به ايران مربوط نمی‌شود، بلکه خاستگاه پر خاشگری ورزشی به غرب بازمی‌گردد، چراکه این پدیده زشت به عنوان تحفه شومی از غرب به کشور ما وارد شده است و مانند برخی از پدیده‌های ناپسند که به همراه تکنولوژی‌های خاص وارد یک کشور می‌شود، همراه ورزش، وارد بسیاری از کشورها مثل کشور ما شده است!

بنابراین چنین نگاهی که پدیده‌های ناشایستی مانند اقدام زنده برخی از تماشاگران در رهاسازی زباله‌ها یا پر خاشگری ورزشی و پدیده‌های مغرب و همسو با پدیده مورد بحث را به کشور ما و هموطنانمان الصاق کنند کاملاً اشتباه و خصمانه است. همانطور که عرض کردم شکل گيري چنین پدیده‌هایی به کشورهای غربي و صاحبان فوتبال مربوط می‌شود، چراکه این پدیده‌ها زاده فرآیند اجتماعی کشورهایی است که مدعی داشتن فوتبال پیشرو هستند.

به نظر می‌رسد مهم‌ترین دليلی که می‌توان در تأيید بحث استفاده از واژه «منشأ پر خاشگری ورزشی اقامه کرد این است که پدیده‌هایی از این دست را نمی‌توان در ورزش‌هایی چون کشتی سراغ گرفت. ورزش‌هایی که مرام، منسلك و اخلاق در آنها حرف اول را می‌زند، کشورها و یكی از مدعیان اصلی ورزش‌های اخلاق مدار به حساب می‌آید. با این وجود نظر حضر تعالی چیست؟

کاملاً درست است. اتفاقاً همین کشتی که ورزش بومی ما ایرانیان به حساب می‌آید، مقولاتی مانند پر خاشگری ورزشی و تخریب اموال عمومی را مرود می‌داند، چراکه پر خاشگری ورزشی (که رهاسازی و ریختن زباله‌ها هم زیربخشی از این پدیده مذموم است) نه تنها در ساختار اجتماعی ما معمول و متعارف نبوده، بلکه درست در مقابل این پدیده‌های ضداخلاقی که از غرب وارد شده است، در ورزش ما ارزش‌هایی مانند گذشت و جوانمردی وجود دارد. برسی مثال به حکایتی اشاره می‌کنم که مبین این مدعاست.

دو پهلوان در جایی دعوت بودند. در لحظه ورود یکی از آنها سرش را بلند می‌کند و دلخور می‌گوید که چرا یک زن روی دستم من آب می‌ریزد؟ پهلوان دوم خطاب به پهلوان اول می‌گوید که تو چرا در منزل میزبان سرت را بلند کرده‌ای که بینی خادم، زنت با مرم؟ این حکایت و حکایت‌هایی از این دست در عین حالی که شاید یک داستان ساده به نظر بیایند، اما به حقیقتی انکارناپذیر اشاره دارد و آن مرام و مکارم اخلاقی در ورزش ماست که امروزه فقدان این مکارم اخلاقی مهم‌ترین حلقه مفقوده ورزش جهان به حساب می‌آید، چراکه اگر این اخلاق ورزشی در ورزش جاري و ساری باشد، ناخودآگاه بسیاری از مضللات جانبی ورزش که امروزه به مشکلاتی لاینحل تبدیل شده‌اند، حل و فصل خواهند شد.

خاستگاه شکل‌گیری اخلاق در ورزش‌های بومی مانند کشتی به کجای باز می‌گردد؟

زیرساخت‌های جامعه، فرآیند ارزش و اخلاق را منتقل می‌کنند و شکل می‌دهند. از سوی دیگر شخصیت و تأثینت ورزشکار یا قهرمان و پهلوان نیز چارچوب حمایت و چگونگی هواداری تماشاگر را معین و مشخص می‌کند. برای همین شما در هیچ جای دنیا ندیده‌اید که تماشاگران در کنار تشک کشتی درگیر و مرن‌تکب رفتارهای زشتی شوند. در حالی که آن رفتار برای تماشاگر فوتبال کاملاً عادی است و گاهی رفتارهای زشت و حرف‌های رکیک نشانه تعصب به تیم مورد علاقه است!

همچنین در ورزش‌های رزمی مانند کاراته که ریشه در شرق دو دارد، باز هم چنین شاخص‌های اخلاقی به چشم می‌خورد و تواع و فروتنی از اجزای لاینفک این ورزش‌ها محسوب می‌شود. از طرفی دنیا اذعان دارد که پر خاشگری ورزشی مشخصاً از فوتبال سر بر آورده و ناشی از فقر اخلاق و فقدان نگاه انسانی به این ورزش بر طرفدار در جوامع مدعی اخلاقی است.

با این احوال در پشت پرده ورزش‌هایی چون فوتبال چه اشتباهاتی در حال وقوع و تکرار است که هر روز کرامت انسانی و اخلاق حرفه‌ای بیشتر از پیش از ورزش جدا و منفک می‌شود؟

مسئله از جای ساده‌ای شروع می‌شود. به این صورت که طرفداران یک تیم فوتبال با هدف تضعیف روحیه بازیکنان تیم حریف اقدام به رجزخوانی و سر دادن شعار می‌کنند تا از این رهگذر موقعیت‌های برد و پیروزی را برای تیم خود رقم بزنند. اما در این میان هیجان و عصبی شدن برخی از تماشاگران روند هواداری را به بیراهه می‌کشاند که مثلاً تماشاگران شعارهای تحقیرآمیز سرمی‌دهند. گاهی به

گفت‌وگو

کندوگو ۸۸۴۹۸۷۹۹



کندو کاوی در خصوص تاریخچه پر خاشگری ورزشی و معضلات اجتماعی فوتبال در گفت‌وگو با دکتر افشین طباطبایی

امروزه ورزش اخلاق محور نیست لشکر کشی است!

پر خاشگری ابزاری مبادرت می‌کنند. به این معنا که

طرفداران یک تیم ممکن است بعضاً اشیای خطرناکی به سوی بازیکنان تیم مقابل پرتاب کنند و در این رهگذر نزاع فیزیکی به وجود آید. از این‌رو چنین هوادارانی از تحریک شدن احساسات به بدترین شیوه ممکن بهره می‌برند.

با این احوال می‌بینیم که امروزه متأسفانه شیوه هواداری به سمت و سوی منفی قضیه سوق پیدا کرده و طرفداران یک تیم توسط «لیدر»‌ها هدایت می‌شوند. لیدرهایی که از کلوب‌ها و باشگاه‌های خود به لحاظ مالی تأمین و تغذیه می‌شوند تا این لیدرها هواداران را در جهت سر دادن شعار‌ها، رجزخوانی‌ها و پشتیبانی از تیم خود به سمت و سویی هدایت کنند که نفع نفع نمی‌آید و باشد و بتواند تیسر را قدیمی به پیروزی نزدیک‌تر کند. گرچه نمی‌توان ادعا کرد که در تمام موارد لیدرها دستور تخریب اموال عمومی یا پر خاشگری‌های ورزشی را صادر می‌کنند، نه، اصلاً نمی‌توان در این زمینه قانون صادر کرد اما خب ناتوانی در کنترل احساسات مهار نشده زمینه‌ساز رخدادهای تلخی است که به کرات در عرصه فوتبال رخ داده است.

پر خاشگری ورزشی را می‌توان در حیظه بیماری‌های روحی- روانی دسته‌بندی کرد یا پدیده‌ای است که تنها در شرایط و اماکن خاص مانند مسابقات ورزشی و در استادبوم‌ها بروز و ظهور می‌یابد؟

پر خاشگری ورزشی را نمی‌توان به عنوان یک بیماری مطرح کرد. همانطور که شما اشاره کردید پدیده‌ای است که در شرایط خاص جلوه می‌کند. شرایطی مانند بازی دو تیم فوتبال، چون افرادی که در یک مسابقه ورزشی نقش مخرب و اخلاقی یا پر خاشگر را ایفا کنند، ممکن است در فرای مسابقه یا زمان‌های خارج از بازی حالتی کاملاً معقول داشته باشند. به گونه‌ای که ممکن است شما از این پارادوکس شخصیت تعجب کنید و بگویید که فلانی دیروز در مسابقه ورزشی داد و بیداد کرده و فضای ورزش‌شگاه را به هم ریخته و حرکات ناشایستی از خود نشان داده اما امروز رفتاری عکس و معقول دارد.

بنابراین رفتار پارادوکسیکال در علم روانشناسی به پر خاشگری ورزشی مصطلح است. یعنی این رفتار معکوس به واسطه قرار گیری در محیط‌هایی رخ می‌دهد که دارای تناسیل خاصی است و افراد به واسطه کشش‌هایی که در شرایط محیط و به اصطلاح ایزر برای آنها فراهم می‌کنند ممکن است رفتارشان با شخصیت واقعی‌شان کاملاً در تضاد باشد.

با این اوصاف ممکن است این پر خاشگری برای اکثریت قریب به اتفاق آدم‌ها رخ دهد؟

تا حدودی درست است اما کسی که سعی می‌کند در برخورد با مسائل خردمندانه عمل کند، کمتر درگیر جوغالب می‌شود. اما کسی که دچار احساسات است ممکن است به رغم معقول بودن گاهی هم جوگیر شود

و به انجام اقدامات ناشایست اهتمام ورزد و این جوگیر شدن‌ها می‌تواند ناشی از شلوغی فضا باشد.

با توجه به آنچه شما فرمودید آیا می‌توان نتیجه گرفت که در فضاهای شلوغ مانند استادبوم‌ها سطح خرد جمعی پایین می‌آید و افراد ناخواسته دچار جو زدگی و جو غالب می‌شوند؟

بله این برداشت صحیح است. چون جمعیت وقتی افزایش پیدا کند و شلوغی ایجاد شود سطح خرد جمعی پایین می‌آید. گرچه هر فردی برای خود یک خرد و اندیشه دارد که در مواقع حساس از این خرد برای تصمیم‌گیری‌ها استفاده می‌کند اما این خردها در مراکز شلوغ مجموع نمی‌شود که به یک خرد جمعی تبدیل شود. مگر با برنامه‌ریزی از پیش تعیین شده. بنابراین اینجاست که خیلی از لیدرهایی که سردسته هواداران تیم‌های ورزشی هستند از این موقعیت استفاده یا سوءاستفاده می‌کنند.

گاهی ممکن است که یک لیدر خرد تماشاگران را در راستای منافع خود یا تیم محبوبش به کار گیرد و بر عکس لیدری دیگر سعی کند که تنش‌ها را کم کند و هیجانات تماشاگران را به سمت و سویی سوق دهد که یک دیدار به یادماندنی شود و در آذهنان نقش ببندد اما متأسفانه در کشور ما اکثر لیدرها تماشاگران را در جهت منفی هدایت می‌کنند و ترتیبی می‌دهند که احساسات هیجانات به پر خاشگری منتهی شود که علم جامعه‌شناسی از این مقوله تحت عنوان «پر خاشگری ابزاری» یاد می‌کند.

در میان هواداران رشته‌های ورزشی، تماشاگران و هواداران فوتبال حکایتی دو رنگ، دارند به گونه‌ای که به تیم‌های محبوب خود تعصب می‌ورزند، آن‌هم تعصبی بسیار شدید. از سویی تعصب‌هایی از این دست در دین و مذاهب ما مورد نگو‌هش قرار گرفته‌اند. تا جایی که حضرت امیر المؤمنین (ع) می‌فرمایند: تعصب بیجا و بیش از اندازه چشم حقیقت جو را کور می‌کند. با این حال می‌آی می‌توانیم عملکرد متعصبانه برخی از هواداران تیم‌های ورزشی را امصداق این حدیث شریف به حساب آوریم؟

بله، حکایت‌های هواداری‌های متعصبانه مصداق این فرمایش حضرت امیرالمومنین (ع) است. اتفاقاً اشاره خیلی خوبی بود. تاری‌ها به خاطر تشدید خشونت‌ها برخی از صاحب نظران اصطلاحی دیگر را برای توصیف عملکرد هواداران خشن فوتبال به کار برده‌اند تحت عنوان «اوپاشگیری» یا اوپاشیگری در فوتبال! گرچه خوشبختانه ما به دلایلی نوع پیشرفته اوپاشیگری را در کشور نداریم و نوع پیشرفته در کشورهای غربي است. کشورهایی مثل ایتالیا و انگلیس که به صورت کاملاً سازمان یافته عمل می‌کنند و گاهی تماشاگران منتصب



د جمعیت وقتی افزایش پیدا کند و شلوغی ایجاد شود سطح خرد جمعی پایین می‌آید. گرچه هر فردی برای خود یک خرد و اندیشه دارد که در مواقع حساس از این خرد برای تصمیم‌گیری‌ها استفاده می‌کند اما این خردها در مراکز شلوغ مجموع نمی‌شود که به یک خرد جمعی تبدیل شود. مگر با برنامه‌ریزی از پیش تعیین شده. بنابراین جمعیت اینجاست که خیلی از لیدرهایی که سردسته هواداران تیم‌های ورزشی هستند از این موقعیت استفاده یا سوءاستفاده می‌کنند

لذت ببرند، بازی را دستاویز شربندی‌های کلان خود قرار می‌دهند و پیش‌بینی می‌کنند که چه کسی گل می‌زند و کدام یک گل می‌خورد! حتی بنده شنیده‌ام نیروی انتظامی با پرونده‌هایی از خشونت و درگیری مواجه شده که پس از پیگیری معلوم شده که جوانان برای دیدن بازی دور هم جمع شده‌اند و در نهایت روند بازی منجر به نزاع و درگیری شده است. در هر حال متأسفانه هواداری فوتبال موجب اتفاقات تازه‌ای شده که اگر فکری عاجل در این رابطه نشود و تدبیری اتخاذ نگردد، جامعه در آینده‌ای نزدیک مجبور به دادن تان‌های سنگین خواهد شد!

وضعیت فوتبال به سمت و سویی رفته که تمام اخلاقیات و مرام و معرفی که رکن اصلی ورزش محسوب می‌شود به حاشیه سوق پیدا کرده و پدیده‌های ناشایستی مانند شربندی‌های یادشده جایگزین داشته‌های ارزشی ورزش شده است! در نهایت مجموع این اتفاقات ناخوشایند موجب تضعیف روحیات و پهلوانی و قهرمانی برخی از ورزشکاران شده است، با این اوصاف برای برون رفت از این چالش‌ها و برای برخورداری از ورزشی سالم چه باید کرد؟

متأسفانه وضعیت همین گونه است، چراکه ورزش با تعصبات بسیار زیاد و جنون آمیز به هواداران تیم رقیب حمله می‌کنند و گاهی هم خود یا اطرافیان را شدیداً مجروح می‌کنند و حتی به قتل می‌رسانند. برای مثال در دهه ۸۰ میلادی در یک مسابقه فوتبال در رده‌های جنون آسا و اوپاشیگر ایه‌ن‌ای وجود دارد که به آنها لقب «تیفوسی» داده‌اند. حتی در ایران هم گاهی از سوی برخی از هواداران فوتبال این اصطلاح استفاده می‌شود که می‌گویند مثلاً ما تیفوسی پرسپولیسیم یا ما تراکتوری‌ها تیفوسی تیم خود هستیم و این اصطلاح با افتخار تمام به کار برده می‌شود.

ظاهر این اصطلاحات و دنیای پر طمطراق هواداری‌های عجیب تنها به عالم فوتبال آن‌هم فوتبال کشورهای غربي باز می‌گردد درست است؟

بله همین طور است. این اصطلاحات تنها محدود به تماشاگران فوتبال می‌شود. چون فوتبال طرفداران بسیار زیادی دارد و برخی از هوادارانی که در رفتارهای اجتماعی‌شان طالب خشونت هستند، از آنده که هر کاری که دوست دارند انجام دهند. برای همین دسته‌ها و گروه‌های عجیبی مثل انشا‌اشاره شد شکل می‌دهند البته به نظر می‌رسد در پس زمینه هواداری‌های دو آتشه طبعاً مناسب‌هایی در جریان است. نمونه این مدعا شربندی هواداران فوتبال در فضای مجازی است که این روزها نقل محافل و مجالس مختلف شده است. متأسفانه در این باب نیز لیدرها و هواداران اصلی، به تأسسی از سازوکارهایی که در غرب و اروپا وجود دارد، و مناسبات مالی را در حاشیه هواداری‌ها به وجود آورده‌اند و برخی آمده‌اند در محیط اینترنت باشگاه‌های اینترنتی به راه انداخته‌اند و در مورد برد و باخت تیم‌ها شربندی می‌کنند.

ظاهر این اصطلاحات و دنیای پر طمطراق هواداری‌های عجیب تنها به عالم فوتبال آن‌هم فوتبال کشورهای غربي باز می‌گردد درست است؟

بله همین طور است. این اصطلاحات تنها محدود به تماشاگران فوتبال می‌شود. چون فوتبال طرفداران بسیار زیادی دارد و برخی از هوادارانی که در رفتارهای اجتماعی‌شان طالب خشونت هستند، از آنده که هر کاری که دوست دارند انجام دهند. برای همین دسته‌ها و گروه‌های عجیبی مثل انشا‌اشاره شد شکل می‌دهند البته به نظر می‌رسد در پس زمینه هواداری‌های دو آتشه طبعاً مناسب‌هایی در جریان است. نمونه این مدعا شربندی هواداران فوتبال در فضای مجازی است که این روزها نقل محافل و مجالس مختلف شده است. متأسفانه در این باب نیز لیدرها و هواداران اصلی، به تأسسی از سازوکارهایی که در غرب و اروپا وجود دارد، و مناسبات مالی را در حاشیه هواداری‌ها به وجود آورده‌اند و برخی آمده‌اند در محیط اینترنت باشگاه‌های اینترنتی به راه انداخته‌اند و در مورد برد و باخت تیم‌ها شربندی می‌کنند.

این رویه در خارج از اینترنت بین جوانان رایج شده که آنها هم در استادبوم‌ها و خارج از استادبوم‌ها شربندی می‌کنند که گاهی شربندی‌های کلانی هم صورت می‌گیرد. برخی از سایت‌ها هم گرداندگانش در خارج از کشور هستند و هواداران داخل را وادار به شربندی‌های کلان می‌کنند و پول‌های نامشروعی در این زمینه به صورت قمار تحصیل می‌شود که این فعالیت ساده، بسیاری از مسائل شرعی را زیر سؤال می‌برد. چون جوانان در این شرایط بیگاری می‌نشینند و دسته‌جمعی یک مسابقه را رصد می‌کنند و به جای اینکه از یک بازی خوب و سالم رصدمی‌کنند و سیماد در آنجا به آن به فرهنگ‌سازی پرداخت و سر راه از آن ناسره جدا کرد. نظر شما در این رابطه چیست؟

اتفاقاً من معتقدم صدا و سیما در این زمینه نه تنها کاری نکرده، بلکه گاهی هم مرتکب اقدام اشتباه می‌شود. مثلاً در بازی شهرآورد اخیر استقلال و است

پرسپولیسی صدا و سیما به اقدامات منفی دامن زد. در این دیدار صداوسیما چند هنرپیشه را به استادبوم دعوت کرده که این هنرپیشه‌ها تنور را داغ کنند که کردند. این هنرپیشه‌ها به نوعی برای تیم‌های مورد نظر خود تبلیغ می‌کردند. این کار اشتباه است چون صداوسیما به فکر این است که از این آب گل آلود ماهی خود را صید کند و آنگهی‌های خود را سفارش بگیرد. برای همین هنرپیشه‌ها را آنجا آورده که مردم را مشتاق کند که در استادبوم حاضر شوند. پس طبیعی است که هر چه استادبوم شلوغ‌تر شود امکان آشوب و زد و خورد بیشتر می‌شود.

آقای دکترا! یکی از اتفاقات خوب شهر آورد اخیر چاپ کیسه‌های پلاستیکی با شعار زیست محیطی بود که با هدف جمع آوری زباله (و البته متأثر از اقدام تماشاگران گره‌ای که پیش‌تر مطرح شد) بین تماشاگران توزیع شد اما استفاده‌ای از این کیسه‌ها نشد. بفرمایید چرا تماشاگران از همکاری و شرکت در یک امر فرهنگی اجتناب می‌کنند؟

پاسخ این سؤال مشتمل به دو نکته و در واقع فقدان دو امر اساسی است. نکته اول اینکه مسئولان امر و متولیان ورزش فوتبال در این زمینه فرهنگ‌سازی نکرده‌اند! گرچه به نظر من اگر در محیط استادبوم به جای کیسه‌های زباله کتاب‌های نفیس هم می‌دادند، مطمئناً همین تماشاگران بسیاری از آن کتاب‌ها را به عنوان زیرانزاع استفاده می‌کردند. یا مثلاً لاورا کتاب‌ها را آتش می‌زدند که در آن سرما خود را گرم کنند! بنابراین باید در مرحله اول فرهنگ‌سازی می‌شد و بعد اقدام به توزیع کیسه زباله می‌کردند، چراکه قبل از فرهنگ‌سازی نمی‌توان نتیجه مطلوب را به دست آورد.

اما نکته دوم که به برداشت صحیح شما بر می‌گردد، لیج و لجبازی تماشاگران است و آنها می‌خواهند با استفاده عکس از کیسه‌هایی که برای تهیه آنها هزینه و انرژی زیادی صرف شده به نوعی به متولیان امر دهن کجی کنند که تمام این حالت‌ها در علم جامعه‌شناسی و روانشناسی ما به ازای علمی دارد که به آن نظریه «محرومیت تهاجم» می‌گویند. به نظر چنین افرادی توزیع کیسه‌های پلاستیکی یا اقدامات مشابه به نوعی محدودیت به حساب می‌آید. از طرفی تماشاگر به خود حق می‌دهد از داور ناراحت شود. یا بازیکن ناراحت شود که چرا خوب بازی نکرده. از همه ناراحت شود که چرا باخت‌اند و در مجموع برای بروز رفتارهای تهاجمی خود بهانه‌ای می‌طلبند! حالا ممکن است به این فرد کیسه پلاستیکی هم نرسد و برای همین این فرد



می‌رود در دستشویی استادبوم شعار و جمله‌های رکیک می‌نویسد. چون نمی‌تواند با مسئولان و نیروی انتظامی در بیفتد برای همین رفتار تهاجمی خود را به نوعی در خفا نشان می‌دهد. مثلاً کیسه‌ای که برای جمع‌آوری زباله به او داده‌اند را سرش یا آن را پاره می‌کند!

من فکر می‌کنم می‌توان با امکانات و اوضاع موجود به امر فرهنگ‌سازی در فوتبال پرداخت. به این صورت که بازیکنان فوتبال در بدترین شرایط محبوب تماشاگران حتی تماشاگران هنرجاشکن و خشونت‌طلب هستند. این حال می‌شود با هماهنگی با بازیکنان فوتبال، شعارها و اهداف زیست محیطی و هر آنچه نیاز به امر فرهنگ‌سازی دارد را از جانب بازیکنان محبوب به چنین مخاطبانی که به قول شما نظریه محرومیت تهاجم در باره آنان صدق می‌کند، تزریق کرد. با این حال چنین ایده‌ای اصولاً محلی از اعراب دارد و اصلاً شدنی است یا خیر؟

بله، این پیشنهاد می‌تواند کاملاً کارساز واقع شود. مثلاً اگر فلان دروازه‌بان محبوب را بیالوریم در برنامه تلویزیونی در مورد جمع‌آوری زباله ساعت‌ها حرف بزند بی‌تردید تأثیری نخواهد داشت در مقابل حالتی که مثلاً در مدت زمانی که تماشاگران در ورزشگاه حضور دارند دوربین نشان دهد که مثلاً یکی از بازیکن‌های اخلاق مدار زباله‌های ورزشگاه را جمع کند و داخل سطل زباله یا کیسه زباله بیندازد. همین تصویر شاید در طول ۱۰ یا ۱۵ ثانیه نشان داده شود بی‌تردید تأثیر فوق‌العاده‌ای خواهد گذاشت و این تأثیر هزاران برابر وقتی است که آقای رحمتی بیاید و در یک مصاحبه با برنامه تلویزیونی هواداران خود را نصیحت کند که مثلاً زباله‌ها را جمع‌آوری کنید یا در مورد محیط‌زیست و حفظ محیط‌زندگی حرف بزند. اتفاقاً این ایده اگر درست اجرا شود، تأثیرات بسیار عمیقی روی مردم و تماشاگران خواهد گذاشت، چون مردم از نصیحت‌گیربندند.